

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ دسمبر ۲۰۲۰

## قندهار کابل شده است!

چهارشنبه - ۱۰ جدی ۱۳۹۹ - کابل: از مدتها ها یعنی تقریباً از یک سال بدین سو میزان و اندازه جرم و جنایت از خس دزدی گرفته تا فیر راکت در روز روش در شهر کابل پایتخت کشور آن قدر اوج گرفته است، که می شود نوشت، سایر ولایات افغانستان در زمینه امنیت اگر نگوئیم مطلقاً به فراموشی سپرده شده اند، به جرأت می توان ادعا کرد با آنها چنان برخورد صورت می گیرد، توگویی همه آنها جزایر آرام امنیت می باشند. از همین رو در یادداشت امروز توجه شما را به صحبت های یکی از دوستانی که همین امروز از قندهار آمده و فرصت دیدار با ایشان دست داد، جلب می نمایم. از آن جایی که این دوست در دو سه روز دیگر مجدداً عازم قندهار است، از بردن نام ایشان پوزش می خواهم. این دوست می گوید:

« ۱- مشکل امنیتی در شهر قندهار از زمانی آغاز یافت، که در یک توطئه آشکار نیروهای امریکائی و دولت دست نشانده با کارگردانی "جنرال میلر" قومندان قوای اشغالگر در افغانستان و "زلمی وایسا" والی وقت ولایت قندهار، بنا به دستور و به مثابه پیش شرط امضای موافقتنامه بین طالب و امریکا، جنرال "رازق اچکزى" قومندان امنیه قندهار ترور گردید.

۲- این که جنرال رازق چگونه انسانی بود، در جامعه ای که استعمار نگذاشته دونهفر به مانند هم فکر نمایند، قضاوت در موردش مشکل است، یعنی به همان سان که ده ها و صد ها هزار تن از باشندگان قندهار بر دامنش نماز می خواندند و وی را ضامن امنیت قندهار می دانستند، بودند و هستند به همان سان ده ها و صد هزار تن دیگر که وی را با خاینان و جنایتکاران بزرگ کشور همسان و همتراز می دانند.

مگر در این جمع چه دوست جنرال "رازق" و چه هم دشمنش، در یک نکته با هم توافق داشتند و آنها دشمنی آشتی ناپذیر طالب با جنرال موصوف بود.

۳- این را می دانیم که بعد از کشته شدن جنرال "رازق"، دولت دست نشانده زیر فشار افکار عامه والی توطئه گرش "زلمی وایسا" را از ولایت قندهار سبکدوش ساخته در عوض وی یکی از سر سپرده ترین افراد "آی. اس. آی." یعنی "حیات الله حیات" را مقرر نمود.

واقعیت قضیه این است که در تقرر "حیات الله حیات" به حیث والی قندهار، شخص "غنی احمدزی" هم چندان رول نداشته است، بلکه وی از طرف همان هائی به این مقام گماشته شد، که در تمام دوران کاری دست وی را گرفته به حیث والی در ولایات ننگرهار و میدان وردک مقرر شده و در توطئه قتل جنرال "رازق" نیز دست داشتند. یعنی امریکائی ها.

۴- "حیات الله حیات" که اصلاً از متولدین ننگرهار است و تقریباً تمام عمرش را در پاکستان گذراند و اگر امکان خواندن ذهنش وجود داشته باشد، بیشتر خود را پاکستانی می داند تا افغان، یکی از معتمدترین افراد "آی. اس. آی." در درون نظام افغانستان است که از جانب امریکائی ها نیز حمایت می شود.

نامبرده به هر ولایتی که پای گذاشته است، بزرگترین دستاوردش تولد، رشد و گسترش مخالفان مسلح دولت دست نشانده در آن ولایت بوده است. مثلاً در ولایت میدان وردک، طالب با والی شدن وی پیدا و رشد نمود، در ولایت ننگرهار در مدت حاکمیتش نه تنها طالب رشد نمود، بلکه عملاً بستر پیدایش و رشد "داعش" را فراهم کرد و در این امر تا آنجا گستاخانه پیش رفت که دیگر نمی شد پیوند والی را با داعش و استفاده ابزاری از داعش به نفع تحکیم مواضع باند "غنی احمدزی" در درون دولت دست نشانده را از مردم مخفی داشت.

۵- "حیات الله حیات" که گاهی گاهی حتا خود را مستقل از "غنی احمدزی" اعلام می دارد، از همان نخستین روز های تقرر تا اکنون، به مانند دوران کاری گذشته اش، یگانه دستاوردی که برای قندهار به ارمغان آورده، رشد غده سرطانی طالب در آن ولایت است. چنانچه در جریان هفته های اخیر به علاوه آن که شش ولسوالی قبلاً آرام و امن آن ولایت به میدانهای خونین جنگ بین دولت دست نشانده و طالب مبدل شده است، بلکه در خود شهر قندهار نیز میزان ترورها چنان بالا رفته است، که به گفته ریش سفیدان محل و آنهایی که خاطراتی از آخرین روز های حاکمیت مزدوران روس را به خاطر دارند، چیزی از آن زمان کم ندارد. یعنی در در جریان همین هفته ۶ عمل تروریستی مرگبار صورت گرفته که قربانیان ترور از پناهجویان بلوچ پاکستانی مقیم قندهار گرفته، تا پیلوتان جدید دولت دست نشانده را شامل می شود.

۶- آنچه در این زمینه سخت درد انگیز است، حدت و شدت حمایت از والی در درون دولت دست نشانده است. یعنی در حالی که تمام نمایندگان "ولسی جرگه" از ولایت قندهار یکصدا علیه وی شعار می دهند، در حالی که ریش سفیدان و بزرگان قومی علیه وی صف بسته اند، و حتا در یکی دو مجلس شخص "غنی احمدزی" هم با معترضان هماهنگی نشان داده است، مگر باز هم با قدرت و صلابت بیشتر به کارش ادامه داده، ضمن پرورش طالب، ایجاد تفرقه بین مردم و گسترش ترور و نا امنی در شهر، چنان وانمود می سازد که گویا تا آخرین روز حاکمیت بر آن منصب باقی خواهد ماند.»

هموطنان گرامی!

آنچه در فوق از نظراتان گذشت، فشرده صحبت های دوستی است که امروز از قندهار تشریف آورده و طی روز های آینده به گفته خودش باز هم به کشتارگاه "حیات الله حیات" خواهد رفت.

آنچه برای آن دوست گفتم و خدمت شما نیز عرض می دارم این است:

نباید فکر کرد که گویا کابل و یا قندهار تافته جدابافته ای از تمام افغانستان اند و تنها در این دو ولایت خون می بارد؛ بلکه می باید این واقعیت را پذیرفت که در تمام افغانستان یعنی در تمام ولایات تروریسم با تکیه بر مقامات دولتی خون مردم را در شیشه نموده روز و شبی نیست که در آنها جرم، جنایت، سرقت، زن ستیزی، تجاوز به عنف، اختطاف و ترور مردم بیگناه صورت نگیرد، فقط تفاوتی که با کابل دارند این است که از جانب دولت دست نشانده آگاهانه تلاش صورت می گیرد تا چنان اوضاعی بازتاب نیابد.

دولت دست نشانده امپدوار است که با کتمان این جنایات فرصت آن را بیابد تا از خیزشهای آزادیخواهانه، انسانی و عدالت جویانه مردم جلوگیری نماید و نگذارد تا تمام مردم افغانستان هماهنگ با یک دیگر با شعار "مرگ بر دولت دست نشانده" به میدان بیایند.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**  
**سرکها ما را می طلبند!**